

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

۱۰ اکتوبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



ترجمه و تفسیر سورة النساء- (۷)

جزء ۴، ۵، ۶

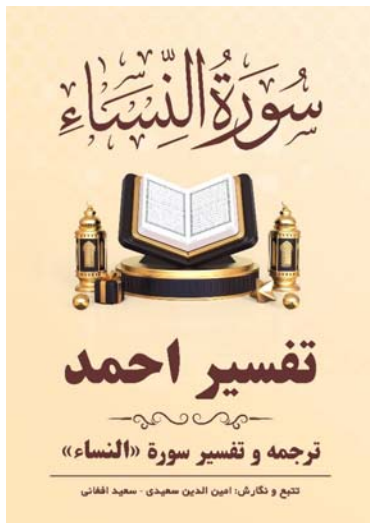
سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸)

و چون خویشاوندان (که وارث نیستند) و یتیمان و ناتوانان در تقسیم میراث حاضر شوند، پس به آنها چیزی از آن (مال به طور بخشش) بدهید، و با آنها سخن نیک و شایسته بگوئید. (۸)

تشریح لغات و اصطلاحات:



«القسمة»: مال مورد تقسیم، در وقت تقسیم ارث. «اولوا القربی»: نزدیکان نیازمند غیر وارث. «فارز قوهم»: آنان را برخوردار سازید، پیش از تقسیم، از سهم وارثانی که صغیر نیستند، چیزی به آنان اعطا کنید. این، هدیه، مندوب است نه واجب؛ هر چند ابن عباس و ... آن را واجب می‌شمرند.

تفسیر:

«وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ»: و اگر هنگام تقسیم (ارث)، نزدیکانی و خویشاوندانی (که ارث نمی‌برند) یتیمان و مسکینان حاضر شدند، به منظور شادکردن شان، پس چیزی از آن مال «ترکه» به آنان روزی دهید.

«وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸)»: در خطاب به آنان سخنی شیرین و زیبا بر زبان بیاورید. مثلاً از آنان معذرت بخواهید که «ترکه» به صغیرها تعلق دارد: به طور مثال برای شان بگوئید: ببخشید، ما مالک این اموال نیستیم، بلکه این اموال از آن یتیمان است.

ابن عباس (رض) در این مورد فرموده است که: «آیت میراث (آیت ۱۱) حکم این آیت را منسوخ‌گردانید». این قول ابن عباس (رض)، مذهب جمهور فقهاء و ائمه اربعه نیز هست. اما از ابن عباس (رض) در روایتی دیگر نقل شده است که فرمود: آیت کریمه محکم است و منسوخ نیست، لذا امر به دادن چیزی از ارثیه به نزدیکانی که ارث‌بر نیستند، مفید و جوب است، هر چند که مردم عمل به آن را ترک کرده‌اند. ولی به نظر فقهای مذاهب، دادن چیزی از ترکه متوفی به نزدیکان غیر ارث‌بر، مستحب است نه واجب.

دروس حاصله از آیت مبارکه:

در اثنای حضور افراد خانواده برای تقسیم میراث اگر در میان آنها خویشاوندانی باشند که به آنها میراث نرسد یا یتیم و محتاج باشند، به آنها طعامی داده رخصت کنید؛ و یا حسب موقع، از ترکه نیز به آنها چیزی دهید. این رفتار مستحب است. اگر در مال متروکه دادن طعام یا چیزی دیگر گنجایش نداشته باشد؛ مثلاً مال متروکه از یتیم باشد، و میت نیز در آن وصیتی نکرده باشد؛ آنها را به سخن معقول رخصت دهید؛ یعنی، به نرمی؛ و از مجبوریت خود عذر کنید که: این مال کودک پدر مرده است؛ و میت نیز وصیتی نکرده!

از این که در آیت متبرکه «أُولُو الْقُرْبَىٰ» در کنار «الْیَتَامَىٰ» و «الْمَسَاكِينُ» آمده، معلوم می‌شود که مراد از اقارب و خویشاوندان، بستگان فقیری و مستمندان هستند که به طور طبیعی ارث نمی‌برند. چنان که سفارش عاطفی آخر آیت نیز این معنا را تأیید می‌کند.

- هکذا این آیت مبارکه این فهم را می‌رساند که اموال ارثی نباید به طور سری و مخفیانه تقسیم شود، بالعکس، از جمله «حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ» بر می‌آید که تا امکان دارد حضور دیگران هم باشد.

- در تقسیم ارث، علاوه بر ورثه میت که سهم مشخص دارند، به فکر فقراء و محرومان نیز باشید. یعنی هنگام تقسیم میراث، حتی الامکان باید ایشان را چیزی داد، که اگر بنابر علّتی وارث شده نتوانند؛ از حسن سلوک محروم نمانند.

خطاب به وارثان میت است که به آنان توصیه می‌شود که اگر هنگام تقسیم میراث خویشاوندان دور و نزدیک و فقراء و مستمندان و یتیمان فامیل حضور یافتند با آنان از درِ بخل در نیابند. گرچه آنان از روی شریعت سهمی از

میراث ندارند، اما شما از روی بزرگواری و کرامت چیزی از اموال میت را به آنان بدهید و سخنان آزاردهنده ای را که معمولاً افراد کم ظرفیت در چنین مواقعی بر زبان می آورند بر زبان نیاورید.

- با هدایای مالی و زبان شیرین، از کینه‌ها و حسادت‌ها، پیشگیری و پیوندهای خانوادگی را مستحکم‌تر کنید.

- کوشش به عمل آید هدایای مادی، همراه با محبت و عواطف معنوی باشد.

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)

و آنانی که اگر اولاد ضعیف از خود برجای بگذارند و بر (آینده) آنها ترس دارند (که ضائع نشوند) باید از الله بترسند، پس باید (در وصیت) از الله بترسند و باید سخن محکم و درست بگویند (که مخالف با عدل و حق نباشد).

(۹)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«من خلفهم»: پس از خود.

«ضعاف»: جمع ضعیف، کوچک، درمانده، صغیر، ناتوان.

«فلیتقوا الله»: در مورد یتیمان باید از خدا پروا کنند.

«سدیدا»: بجا، درست، متین.

تفسیر:

این آیت مبارکه که در مورد وصیت کنندگان نازل شده است؛ یعنی ای وصیت کننده! «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ»: باید خود را جای دیگران گذاشت، تا دردها را بهتر درک کرد. با یتیمان مردم چنان رفتار و برخورد باید کنیم که دوست داریم که سایرین با یتیمان باید چگونه رفتار کنند. بناءً باید فرزندان خود را در حالتی در نظر بگیرد که او مرده است و فرزندان او یتیم و ضعیف و بی‌سرپرست اند، در چنین حالتی آیا وی راضی است تا فرزندان خودش خوار و ذلیل باشند و اموالشان ضایع گردد؟!!

طوری که یادآور شدیم که این خطاب متوجه اوصیای ایتم و دربرگیرنده این اندرز و موعظه برای ایشان است: باید با یتیمانی که تحت تکفل خویش دارند، همان کنند که دوست دارند بعد از درگذشت ایشان با فرزندان خودشان انجام شود.

و نباید فراموش کنیم که هر که آتشی روشن کند، دودش به چشم خودش می‌رود. ظلم امروز به ایتم مردم، به صورت سنت در جامعه در می‌آید و فردا دامن یتیمان ما را هم می‌گیرد.

ابن عباس (رض) می‌فرماید: «این آیت ناظر بر شخصی است که در حال احتضار قرار دارد و کسی که در نزد وی حاضر است می‌شنود که او وصیتی می‌کند که به حال ورثه‌اش مضر است، پس خداوند متعال این شخص شنونده وصیت را امر می‌کند تا فرد محتضر را در مورد وصیتش به راه حق و عدالت برگرداند».

«فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)»: پس چنین وصیی باید از الله متعال بترسد و با یتیم‌ها به نرمی و لطف سخن بگوید درست همانگونه که با فرزندان خود سخن می‌گوید. نباید فراموش کنیم که یتیمان، در کنار لباس و خوراک، به محبت و عاطفه و ارشاد هم نیاز دارند.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (۱۰)

یقیناً آنانی که مال‌های (چنین) یتیمان (ضعیف) را به ظلم می‌خورند، جز این نیست که در شکم‌های خود آتش را می‌خورند، و زود است که در آتش شعله ور داخل شوند. (۱۰)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«ظُلْمًا»: به ناحق. «سَيِّئُلُونَ»: خواهند سوخت، در خواهند آمد. «سَعِيرًا»: آتش فروزان، برافروخته.

تفسیر:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا»: بیگمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستمگرانه می‌خورند، یعنی آنانی که بر اموال یتیم‌ها تجاوز می‌کنند و بدون کدام حق شرعی و بی‌موجب برای خویش مباح می‌سازند، «إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا»: این‌ها با انجام این عمل در واقع خود را به سوی آتش دوزخ که شعله‌ور است می‌کشاند. این‌ها مال حرام و حاصل شده از طریق ظلم و ستم را می‌خورند و طبیعی است چنین مالی آن‌ها را به سوی آتش دوزخ می‌کشاند آتشی که هرگز قابل تحمل نیست. در این آتش هولناک و شعله‌ور جز انسان بدبخت داخل نمی‌شود. «وَسَيِّئُلُونَ سَعِيرًا (۱۰)»: همانا، آنان که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، در حقیقت، آتشی را در شکم خود فرو می‌برند و بزودی در آتشی افروخته وارد خواهند شد

درحالی از قبرهای خودبرانگیخته می‌شوند که شعله‌های آتش از دهان‌هایشان زبانه می‌کشد. سؤال شد: یا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم! آنان کی هستند؟ فرمودند: آیا نمی‌بینید که خداوند متعال فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا...». بناءً چهره واقعی خوردن مال یتیم در دنیا، به صورت خوردن آتش در قیامت آشکار خواهد شد. در آیت مبارکه خوردن اموال یتیمان را به آتشی سوزان که شکم‌ها را پُر کرده باشد، تشبیه کرده که نشان می‌دهد که این آتش، تمام تار و پود وجود شخص را می‌سوزاند و نابود می‌گرداند. (سوره‌ اسراء آیت: ۳۴). در چندین آیات متذکره حکم شده است که در مال یتیم از احتیاط لازم کار گیرید و خیانت در مال یتیم گناه بزرگ نشان داده شده؛ در این آیت مبارکه راجع به خیانت در مال یتیم وعید سخت فرمود، و حکم مذکور را خوب مؤکد گردانید: هرکه بدون حق مال یتیم را می‌خورد، شکم خویش را به آتش جهنم پر می‌کند؛ یعنی، انجام آن خوردن این است؛ و جمله اخیر آن را ظاهر کرده است.

شان نزول آیت مبارکه:

در روایات آمده است که همسر سعد بن ربیع (رض) پس از غزوه احد دو دختر ایشان را نزد رسول‌الله صلی الله علیه وسلم آورده عرض کرد: «یا رسول الله اینان دختران سعداند که در غزوه احد در رکاب شما شهید شد. کاکای آنان همه اموالشان را تصرف کرده حتی حبه ای برای آنان باقی نگذاشته است. اکنون چه کسی با این دختران ازدواج می‌کند؟» و در این باره، این آیت نازل شد.

خوانندگان محترم!

پروردگار با عظمت ما در آیات متبرکه قبلی به طور مؤجز در رابطه به ارث خویشاوندان اشاره به عمل آورد: «الرجال نصيب مما ترك الوالدان...» اینک در آیات متبرکه (۱۱ الی ۱۲) موضوعاتی متعلق به ارث را به طور مفصل به بحث گرفته است، از آنجمله: سهم فرزندان، پدران، مادران، همسران و برادران و خواهران را تبیین می‌فرماید و ارث برادران پدری - نیز - در آیت دیگری از همین سوره بیان خواهد یافت.

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتْهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١)

الله شما را درباره اولاد تان سفارش می‌کند که دارائی خود را برباد نکرده و آنها را فقیر نگذارید. و در وقت تقسیم برای پسر مانند دو سهم دختر است، پس اگر وارثان زن باشند و اضافه از دو نفر باشند، پس برای آنها (از جمله سه حصه ترکه)، دو حصه سهم می‌رسد، و اگر یکی باشد، پس نصف ترکه از اوست، و برای هریک از پدر و مادر میت، یک ششم ترکه است اگر از میت فرزندی باشد، و اگر از میت فرزندی نباشد و پدر و مادر او وارث او گردند، پس برای مادر یک سوم است (و باقی از پدر است) و اگر از میت برادرانی مانده باشد، پس مادر او یک ششم ترکه را می‌برد، البته (تقسیم میراث) بعد از تنفیذ وصیتی است که میت به آن وصیت کرده است یا بعد از ادای دین است (اگر میت دیندار باشد) و شما نمی‌دانید که پدران و پسران کدام یکی از آنها برای تان سودمندتر است، (این احکام) از طرف الله مقرر شده است؛ یقیناً الله (به احوال ورثه) دانا و حکیم است. (١١)

تشریح لغات واصطلاحات:

«يُوصِيكُمُ» (وصی وصیا): فرمان می‌دهد، امر می‌کند، بر شما واجب می‌گرداند.
 «حَظٌّ»: بهره، نصیب، سهم. «الْأُنثَيَيْنِ»: تثنية انثی، دو زن، دو خانم.
 «اثْنَتَيْنِ»: دو تا. «ثُلُثًا ← ثَلَاثًا»: دو سوم، نون در اضافه رفته است.
 «مَا تَرَكَ»: آنچه بر جای گذاشته است. «أَبَوَيْهِ»: پدر و مادرش. «إِخْوَةٌ»: جمع اخ، برادران، که بنا به قاعده تغلیب، به خواهر و برادر اطلاق می‌شود.
 «السُّدُسُ»: یک ششم. «لَا تَدْرُونَ»: نمی‌دانید. «عَلِيمًا»: دانا به مصالح آفرینش.
 «حَكِيمًا»: در تدبیر کارها فرزانه است، کسی که گفتار و کردارش حق باشد. (فرقان)

تفسیر:

«يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ»: در این آیت حق تعالی به تفصیل احکام میراث می‌پردازد که در آیت هفتم همین سوره به صورت اجمال به بیان گرفته شد. یعنی خداوند متعال شما را امر امانت عدالت را در مورد ارث اولاد به شما می‌دهد، و از شما تعهد می‌گیرد تا درباره میراث فرزندان خود خواه مرد باشند یا زن عدالت کنید. دانشمندان از گفته «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ»: چنان دریافته اند که خدای متعال از مادر به فرزندش مهربانتر است که توصیه فرزندان را به والدین کرده است. و در حدیث ماثور آمده است: در حقیقت الله بیش از محبت مادر به فرزندش، نسبت به بندگانش مهربان است. «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»: بنابراین اگر مرده دارای فرزندان دختر و پسر بود برای فرزند پسر دو برابر میراث دختر است، «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ»: ولی اگر تنها فرزند دختر داشت و تعداد آن‌ها دوتن یا زیاد از دو تن بودند در این صورت برای آنان دو سوم ترکه است، «فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ»: یعنی دو دختر و بیشتر دو سوم ماترک را می‌برند.
 «وَ إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ» و اگر وارث فقط یک دختر باشد، نصف «مَا تَرَكَ» از آن اوست.

باید یادآور شد که: سبب میراث بردن فرزند پسر به اندازه دو برابر فرزند دختر در این است که مسؤولیت اجتماعی پسر نسبت به دختر بیشتر است، زیرا بر پسر لازم است تا مهر بپردازد و نفقه کل اعضای فامیل را بدهد در حالی که بر دختر هیچ‌کدام از این مصارف لازم نیست.

در این آیت دو نوع میراث توضیح شده: اول که میّت هر دو نوع اولاد یعنی دختر و پسر داشته باشد؛ دوم، تنها دختر داشته باشد؛ و این نیز دو قسم است که يك دختر باشد یا بیشتر از آن؛ اما، يك نوع دیگر باقی مانده، یعنی میّت تنها پسر داشته باشد؛ حکم آن این است که تمام میراث به پسر می‌رسد؛ چه یکی باشد، چه بیشتر.

در آیت متبرکه ملاحظه نمودیم که اول میراث و سهم اولاد را یادآور شده است و بعد از آن سهم ارث پدر و مادر را ذکر کرده است؛ چون در مورد ارث، فرع بر اصل مقدم است و گفته است: «وَلَا يُؤْتِيهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّبْحُ»؛ هریک از پدر و مادر یک ششم سهم دارد «مِمَّا تَرَكَ» از ترکه مرده. «إِنْ كَانَ لَهُ وَالدُّ»: در صورتی که مرده دارای پسر یا دختر باشد؛ چون فرزند بر مذكر و مؤنث اطلاق می‌شود.

اکنون میراث پدر و مادر را در سه صورت بیان می‌کند: اول که میّت اولاد داشته باشد؛ پسر یا دختر؛ حصه ششم مال متروکه به هر يك از پدر و مادر می‌رسد.

«فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَالدُّ وَوَرِثَةُ أَبَوَاهُ»: و اگر وارثی جز مادر و پدر نداشت در این صورت یک سوم ترکه از آن مادر و باقی از آن پدر است، «فَلِأُمَّهَ الْاَلْتُّهُ»: در این صورت مادر یک سوم از سهم دارد و یا یک سوم را بعد از فرض هر یک از زوجین دارد و باقی مانده از آن پدر است.

صورت دوم این است که میّت هیچ اولاد نداشته باشد؛ تنها پدر و مادر وارث او باشند؛ يك ثلث مال متروکه به مادر، و دو ثلث باقیمانده به پدر می‌رسد.

«فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهَ الشُّبْحُ»: اگر در کنار والدین برادران هم باشند، (دو برادر یا بیشتر) در این حالت مادر یک ششم از «ما ترک» ارث می‌برد و بقیه میراث به پدر می‌رسد. حکمت این امر این است که پدر مکلف است نفقه آنها را فراهم کند، اما مادر مکلف نیست، بدین ترتیب احتیاج پدر به مال بیشتر می‌شود.

«مَنْ بَعَدَ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ»: یعنی حق ورثه بعد از اجرای وصیت و ادای قرض قرار دارد، بنابراین قبل از وصیت، «ما ترک» تقسیم نمی‌شود یعنی: دوسوم، یا یک‌سوم، یا یک‌ششم، یا غیر اینها از ارثیه برای آنانی که ذکر شد تعلق نمی‌گیرد، مگر بعد از پرداختن به وصیت متوفی و بعد از پرداخت وامهائی که بر ذمه اوست.

یادداشت:

مال میّت در قدم اول به کفن و دفن وی صرف شود؛ بقیه آن به قرضداران او داده شود؛ و اگر چیزی بماند، تا يك ثلث آن در وصیت میّت صرف شود؛ و باقیمانده به ورثه تقسیم گردد.

علماء، از سلف و خلف، اجماعاً بر آنند که پرداخت وام بر وصیت مقدم است و بعد از پرداخت وام و اجرای وصیت است که باقی‌مانده ترکه بر ورثه تقسیم می‌شود. لذا وصیائی که به بیشتر از یک‌سوم مال ارثیه تعلق گیرد، قابل اجرا نیست،

«أَبَاؤُكُمْ وَ أبنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعاً فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ»: الله خودش تقسیم ارث و فرض و مقرر داشتن فرایض را بر مبنای علم و حکمت خود به عهده گرفته و به مقتضای مصلحت و فراهم شدن منفعت ارث را تقسیم کرده است. اگر این امر را به انسان واگذار می‌کرد، نمی‌دانستند کدام یک برای آنان مفیدتر است، و در نتیجه اموال را بدون حکمت صرف می‌کردند. از این رو مطلب را با گفته خود دنبال کرده و فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱)»: خدا به صلاح بندگان خود آگاه و از حکمت فرض و مقرر داشتن باخبر است.
خواننده محترم!

این آیه سه حالت برای دختر إفاده می‌کند:

حالت اول وقتی است که تنها باشد یعنی تنها فرزند خانواده باشد که در اینصورت نصف کل ترکه میت را می‌برد.
حالت دوم هرگاه متوفی بیشتر از یک دختر داشته باشد ولی هیچ پسری یا بیشتر با آنان نباشد، در آنصورت همگی دختران با هم در دو سوم ارث شریک هستند. ابن قدامه گفته است: اهل علم اجماع دارند که سهم دو دختر دو سوم است مگر یک ولایت شاذه از ابن عباس و ابن رشد گفته است. گویند مشهور از ابن عباس همان قول جمهور است.
حالت سوم آنست که با دختر پسری یا بیشتر وجود دارند که ارث بصورت تعصیب خواهد بود و برای مذکر دو برابر بهره دختر خواهد شد و همچنین است اگر دختران متعدد باشند یا پسران متعدد باشند.

و این آیات الله تعالی و اجماع علمای اسلام بر این حکم و قانون الهی بود و بر تمامی مؤمنان واجب حتمی است تا به این آیات قرآن ایمان داشته باشند در غیر اینصورت به عنوان تکذیب کننده آیات قرآن حکم ارتداد را خواهند داشت.
والعیاذ بالله

شان نزول آیات ارث:

ائمة ششگانه حدیث از جابر بن عبدالله نقل می‌کنند که فرمود: پیامبر و ابوبکر با پای پیاده به عیادت من در منطقه «بنی سلمه» آمدند. پیامبر از حال و وضع من باخبر گشت. آب خواست و به آن وضوء گرفت، سپس مقداری از آن را بر روی من پاشید. سر حال آمدم و گفتم: دستور چیست؟ اموال را چه کار کنم؟ آیت «یوصیکم الله...» نازل شد. احمد، ابوداود، ترمذی و حاکم از جابر چنین حکایت می‌کنند: زن سعد پسر ربیع خدمت پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر این دو، دختران سعدند که پدرشان در احد کشته شد و کاکای شان اموال او را برده و برای آنان چیزی باقی نگذاشته است و اگر دختر اموالی نداشته باشد، کسی از او خواستگاری نخواهد کرد. پیامبر فرمود: خداوند در این باره حکم می‌فرماید. آیت «یوصیکم الله...» نازل شد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم، کاکای دختران را صدا زد و فرمود: دو سوم اموال سعد، از آن دختران و یک هشتم آن مال همسر او و بقیه مال توست. گویند: این، اولین ترکه ای است که در اسلام تقسیم گردید.
ادامه دارد